

## تفسیر زیب التفاسیر از صفی بن ولی قزوینی به نام «زیب النساء بیگم دختر اورنگ زیب»

رسول جعفریان

صفی بن ولی قزوینی، عالمی است کمتر شناخته شده، کربلا به دنیا آمده، مدتی در قزوین بوده و سپس به هند رفته و در دربار اورنگ زیب و نیز منطقه کشمیر بوده است. مهم ترین اثر او زیب التفاسیر است که بدان مناسبت و به دلیل ناشناخته بودن آن اثر، مروری بر شرح حال وی و دیگر آثارش خواهیم داشت. سپس مقدمه این تفسیر را مرور خواهیم کرد.

استاد اشکوری (تراجم الرجال: ۱ / ۴۱۹) بر اساس نسخه ای از زیب التفاسیر وی، در باره وی ضمن اشاره به این که در ۱۰۲۹ به دنیا آمده و بعد از ۱۰۹۰ درگذشته، تولدش را در کربلا دانسته و افزوده است که مدتی در قزوین ساکن شد. مراحل تعلیم را گذراند. سپس به دهلی رفت و میان دهلی و کشمیر رفت و آمد داشت. در دهلی به دربار اورنگ زیب پیوست و روابطش با او نزدیک شده به عنوان معلم زیب النساء او را تعلیم می داد. تفسیر زیب التفاسیر را به نام وی نوشته است. این تفسیر در رجب سال ۱۰۷۷ در شاه جهان آباد آغاز شده و مؤلف آن زمان ۴۸ سال داشته است. (از اینجا سال تولد وی ۱۰۲۹ دانسته شده است).

اینها مطالبی است که ایشان بر اساس مقدمه مجلدی از تفسیر وی که در اختیار ایشان بوده و عکس آن در اختیار ما قرار گرفت، در اینجا آورده اند. در برخی از منابع، به زیب النساء بیگم (۱۰۴۳ - ۱۱۱۴) دختر اورنگ زیب که از زنان شاعر و عارف شناخته شده در هند است و هیچ گاه ازدواج نکرد [شرح حال وی را بنگرید در مقدمه دیوان زیب النساء «مخفی»، به کوشش مهین دخت صدیقیان، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۱]، تفسیری به نام زیب التفاسیر منسوب شده که علی القاعده باید همین کتاب صفی قزوینی باشد که معلم او بوده و به امر وی نوشته است. در مقدمه آن کتاب، زیب التفاسیر به نام صفی الدین اردبیلی ضبط شده است (ص ۹) (شرح حال مفصلی هم برای وی در مجله پیام زن (قم، دی - اسفند ۱۳۷۱، شماره های ۱۰ - ۱۲ توسط محسن سعید زاده نوشته شده است)!

آثاری که از [محمد] صفی قزوینی می شناسیم:

انیس الحجاج: اما در باره کتاب انیس الحجاج (سفرنامه حج او در سالهای ۱۰۸۷ - ۱۰۸۸) او که تاکنون به چاپ نرسیده، گزارشی در دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، در مجلد اول، [ص ۶۷۰ - ۶۷۳] ذیل انیس الحجاج آمده است. مؤلف آن مدخل که ظفرالاسلام است، اشارتی به زندگی وی نکرده هرچند از تفسیر و این که خلاصه‌ای از تفسیر فخر رازی است خبر داشته است. سپس گزارش مبسوطی از انیس الحجاج به دست داده است. امید است فرصت چاپ آن دست دهد. نسخه ای از آن در مجلس شورای اسلامی موجود است.

کنز الاسماء: آقابزرگ ذیل کنز الاسماء از صفی بن ولی قزوینی یاد کرده و این که این کتاب در سال ۱۰۹۰ نوشته شده است. این کتاب در شرح اسماء الحسنی است که ۹۹ اسم است. نسخه ای از این کتاب در فهرست دانشگاه به شماره ۲۷۲۱ که در قرن یازدهم کتابت شده، موجود است. زاد النجات: کتاب دیگری در اخلاق با عنوان زاد النجات دارد که نسخه ای از آن در مرکز احیاء تراث به شماره ۴۰۰۸ (از نسخه های مرحوم ارموی) موجود و کتابت آن در ۲۵ جمادی الثانیه ۱۱۵۵ تمام شده است (دنا، ۵: ۱۱۷۸).

شرح الاعتقادات: این اثر او در شرح عقاید شیخ صدوق است، و نسخه ای در یزد دارد که در نشریه دانشگاه تهران دفتر چهارم ص ۴۶۰ معرفی شده است. (دنا، ۶: ۴۴۴). در معرفی کتاب آمده است که تألیف آن در ۱۸ شوال ۱۰۹۰ انجام شده آن هم پس از: انوار العرفات: که باید کتاب دیگر مؤلف باشد.

مرآت الاخلاق: کتاب دیگری هم در اخلاق با عنوان مرآت اخلاق دارد که نسخه ای از آن در مشهد (فهرست دانشکده ادبیات، ش ۴) دارد (دنا: ۹: ۳۳۶).

شرح مناجاة الامام زین العابدین: این اثر رساله‌ای که در هند تألیف کرده و آقای اشکوری از آن یاد کرده است. علی القاعده ایشان باید نسخه آن را جایی دیده باشد که متأسفانه در تراجم از منابعشان یاد نمی کنند. (تراجم الرجال، ج ۱، ص ۴۱۹).

تحفه الاخیار: این اثر او که در تاریخ جهان از عهد باستان تا شاهان معاصرش در هند بوده، به نام تذکرة الاحیاء نامیده شده و نسخه‌ای ناقص از آن در فهرست نسخه های خطی کتابخانه شخصی میبیدی (کرمانشاه) (سید احمد اشکوری، قم، ۱۳۸۷، دفتر سوم، ص ۳۵، ش ۵۶۳) معرفی شده است. نسخه‌ای دیگر از همان کتاب به شماره ۷۸ در فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه اصفهان آمده و در وصف آن گفته شده: تاریخ عمومی مختصری است به ترتیب وقایع تاریخی و سالها، مشتمل بر تاریخ پیامبران و پیامبر اسلام و ائمه علیهم السلام و خلفا و پادشاهان است. این نسخه نیز ناقص و تا سال ۶۲۰ هجری را دارد.

از این آثار و نیز تولد وی در کربلا بر می آید که وی یک عالم شیعی است، گرچه در دوایر شیعی چندان شناخته شده نیست. اما این که چگونه در دربار اورنگ زیب که پادشاهی است سنی و سختگیر نفوذ کرده و حتی مربی زیب النساء این زن مشهور شده است، باید اظهار شگفتی کرد. به نظر می رسد وی تقیه پیشه کرده و همین تلخیصی هم که از تفسیر فخر رازی نوشته و نیز آنچه در انیس الحجاج از خود بروز داده، حکایت از همین امر دارد.

از زیب التفاسیر نسخه‌ای در ایران شناخته شده نبوده و به همین دلیل نه تنها آقابزرگ یادی از آن نکرده بلکه در دنا هم یادی از آن نشده است. ارجاعی که در مدخل انیس الحجاج توسط ظفرالاسلام به زیب التفاسیر داده شده (مستورخان، ۵۳۹) وجود نسخه‌ای از آن را نشان می دهد. نسخه ای از آن در کتابخانه آیت الله گلپایگانی موجود بوده است که به عنوان جزء اول شناسانده شده و به شماره ۸۳۲ (فهرست قدیم گلپایگانی: ج ۲ ص ۹۷) ثبت شده است.

در فهرست مشترک پاکستان، نیز تنها مجلد نخست زیب التفاسیر معرفی شده است. منزوی نوشته است: زیب التفاسیر: محمد صفی بن ولی قزوینی که انیس الحجاج را در دهلی در ۱۶۷۶/۱۰۸۷ (ریو ۳: ۹۸۰) و تحفه الاخیار را در ۱۶۶۶/۱۰۷۶ و شرح اعتقادات صدوق را در شاهجهان آباد ۱۶۷۹/۱۰۹۰ (نسخه‌ها: ۹۶۳/۲) نگاشته است. به دستور شاهدخت زب النساء (م ۱۷۰۱/۱۱۱۳) دختر اورنگ زیب (۱۰۶۹ - ۱۱۱۸) که گفته بود تفسیری مختصر و جامع بنگارد (ن. ک. برگل که می‌گوید: تفسیر مفصلی است و جلد پنجم آن را در ۱۶۷۰/۱۰۸۱) و جلد آخر آن را گویا در ۱۶۷۶/۱۰۸۷ (به انجام رسانده است). (بنگرید: برگل، ۱: ۱۹۳، ش ۵۳ f ۷۱ R - استوری اک ش ۴۹ - ریو ۳: ۹۸۰ انیس الحجاج - بودلیان ۱۸۱۰ زیب التفاسیر سوره ۸ تا ۱۲ گویا به خامه نگارنده. گنج بخش: ۱: ۴۶ ش ۸۷۴، نسخ خوش سده ۱۲ - ۱۳ جلد ۱ انجام افتاده، ۲۵۳ص. تصویری از مجلد اول زیب التفاسیر توسط استاد سید احمد اشکوری در اختیارم قرار گرفت. بنابراین فرصتی شد تا مطالب بالا را گردآوری کرده و اکنون مقدمه این تفسیر را از روی همان مجلد که مجلد اول است برای شناسایی بیشتر این کتاب تقدیم خوانندگان عزیز می‌نمایم:

### مقدمه تفسیر زیب التفاسیر

وی در مقدمه پس از حمد و ثنای الهی می‌نویسد:

... اللهم صلّی علیه و علی آله و اصحابه اجمعین صلوة تکون لهم رضی یوم الدین و بعد از تأسیس مبانی محامد الهی و درود روضه حضرت رسالت پناهی، سخنی که به دلالت اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم در مجلس تقریر و محفل تحریر رتبه صدرنشینی دارد، دعای دوام دولت پادشاه دین پناه از خدا آگاه، مصداق السلطان العادل ظل الله زیب سریر سلطنت و جهانبانی، و دیباچه رساله خلافت و کشورستانی، چراغ دودمان صاحب قرانی، افروزنده اقطار بانوار ملک حقیقی و ملک مجازی ابوالظفر [کذا] محیی الدین محمد اورنگ زیب بهادر پادشاه عالم گیر غازی است - خلد الله ظلال معدنّه علی العالمین.

و پس از تمهید آن خامه تحریر، گوش مستعمان نکته تقریر را به این در شاهوار گرانبار می‌گرداند که بر ضمائر ارباب بصائر پوشیده نیست که بدلالت ظاهر کریمه «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» صورت غرض از ایجاد عالم و آفرینش جان و بنی آدم تحلی آحاد مکلفین است به زیور عبادت رب العالمین، کما نبّه علیه عزّ من قائل بقوله: «و ما خلقتنا السموات و الارض و ما بینهما لالعین» و اداراک افراد عابدان بنی نوع این مقصد اسنی را بی استکمال علوم و کمالات میسر نیست، پس علم که موقوف علیه عبادت است، احقّ فضایل به تقدیم و اسبق محامد به تعظیم باشد. و بی شبهه اشرف و اسنی و ابهر و ابهی همه فضائل و علوم، علم تفسیر کلام مجید ربّانی و تأویل تنزیل آسمانی است، و لهذا علمای دین مبین خوض در ابراز مکانین [؟] و غوص در لبح ایضاح حجج و مضامین آن نموده، تألیف کتب و افره فرموده‌اند، شکر الله سعیم و أجزل ثوابهم. و چون تفسیر کبیر امام رازی - روح الله روحه - در این فنّ شریف به زیور جمع و تحقیق و حلیه حفظ و تدقیق و ضبط اقاویل اکابر مفسرین آراسته بود و به سبب تحریرش به لغت عربی کمند [؟] افهام فارسی زبانان از اقتباس مبانی و درک معانی آن کوتاه می‌نمود، و ترجمه آن مستلزم بعضی معاهد گشته در حرمان آنها می‌افزود، اشاره عالی از سده سنیه نواب گردون قباب خورشید احتجاب قدسی حجاب، یگانه گوهر صدف شهرباری، تابنده اختر اوج جهانداری، علیه قدسیّه عالیّه زیب النساء بیگم - لازالت خیام عظمتها مکفوفه بالاقبال و التأیید - شرف صدور یافت که کمترین بنده‌های سده سنیه تراب اقدام مؤمنین صفی بن ولی [زیر اسم نوشته: شیعه و غلام خاندان ائمه معصومین علیهم السلام - و این نشانگر آن است که در اصل به خاطر تقیه نیامده است]، ولید کربلا و ساکن قزوین - عفی عنهما و عن جمیع المُدنیین - تفسیری جامع جمیع درر فواید و غرر فراید تفسیر کبیر امام رازی و

حاوی دیگر نکات و اشارات از اکثر تفاسیر معتبره متداوله به زبان فارسی سهل مأخذ قریب به افهام تألیف نماید که نفع آن عام و کافه برابرا شامل و فواید آن برای اکثر فرق عباد کامل بود و ثواب انتفاع عامه انام الی یوم القیام به پیشگاه خلافت و سده طهارت واصل گردد.

و امتثالاً للامر الاقدس، احقر افقر در ماه رجب المرجب سال هزار و هفتاد و هفتم از هجرت خیر البشر - علیه و آله و صحبه صلوات الله السّلام الاکبر - در دارالخلافة شاهجهان آباد در ایامی که راکب بادپای به مرحله چهل و هشت رسیده بود، شروع در تألیف آن بر وجه مأمور به نمود، و موسوم به زیب تفاسیر گردانیده، از تصّنّفات منشیانه و تصنّعات مذکرانه مهما امکن عاری، طریق اختصار در بیان پیموده، و به توفیق ودود معبود، مجموع آن را بر نه مجلد مرتّب و هر مجلدی بدیباچه و خاتمه ممتاز و مهذب و مجموع کتابت مجلدات تسع را که زیاده بر چهار و نیم لک، یعنی بیشتر از چهار صد و پنجاه هزار بیت است، در مدت هشت سال بتأیید قادر مکمال و موفق متعال، پاره‌ای در دارالخلافة و بیشتر را در کشمیر بمدد محرّری که حقیر از روی کتب متعدده مفتوحه، به تقید و تدقیق در اختلافات مسطوره مشروحه دیده و در نظر داشته از هر جا، یک ریز می‌گفت و او می‌نوشت، به اتمام رسانیده و منظور نظر محرمان سراق اقبال گردید. ان فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو التی السمع و هو شهید.

و حسب الامر الاعلی برین وجه تحریر یافت که بعد از ذکر مطلب تام الفائده از آیات شریفه، واحده کانت او آزید، اشاره به عدد آیات و اختلاف ائمه بصره و کوفه در کمیت آنها می‌نماید. آنگاه به حلیه نقل رموز وقف جایز و غیر جایز می‌آرید، و پس از آن متعرض وجوه قراءت وارده در آنها، متواتره کانت او شاذّه، گردیده، حجج اختلاف و جهت آن را مذکور می‌سازد، و آنگاه به ذکر معانی بعضی الفاظ مذکوره در آن آیات به زبان فارسی می‌پردازد. بعد ذلک از نکات اعرابیه و اسرار عربیّت و بلاغت عبارات وارده در آنها سخن می‌گوید، و بعد از یاد اسباب نزول و احیاناً به نقل اخبار مختلفه در آن کشف نقاب از چهره باعث القاء وحی آن می‌جوید، آنگاه در صدد بیان ما ذکره الامام فی تفسیره الکبیر بحیث لایشذ من مفاد مذکوره او حاصل مسطوره شیء آمده، شرط ایجاز مرعی می‌دارد و جمیع مطالب آن را به عبارتی که مانوس طباع و مفهم مقصود بود می‌آرد.

و چون فهمیدن مطالب عالیه تفسیر کبیر اگر چه به زبان فارسی مبین باشد غیر طلبه علم را آسان نیست، لاجرم بعد از اكمال نقل مذکورات آن، حاصل مدعی و خلاصه معنی را به طریقی واضح و بیانی لائح بر وجه النقاط از چند تفسیر معتبر القاء می‌نماید، و پرده خفاء از وجوه ظواهر عبارات قرآنیه آنچنان که هر فارسی زبان خواننده یا شنونده، معانی ظاهره آیات قرآنیه را از آن دریابد به دست تصریح و تنقیح می‌گشاید.

و فی الواقع اگر هوشمندی هر یک از فصول مذکورات این تفسیر بحر نظیر، برأسه و علی حده از اول تا آخر جمع نماید، هر فصل مطالب محرّره برای او رساله بل کتابی جداگانه در علوم قرآنی خواهد بود، و از انتخاب آنها جدا جدا محصل بل مرتّب تألیفی در فنون متنوعه متعلقه به تفسیر کلام الهی خواهد نمود. مثلاً اگر مذکورات اعداد آیات و اختلافات آنها را یا محرّرات قرائت و حجج قرآء را یکجا جمع کند، صاحب رساله در هر یک از این دو مطلب می‌شود. و قس علیه البواقی، سیما که از جمع ما نقل من تفسیر الامام و ضبط ما حرر فی خلاصته المعنی من اقوال الاعلام بهر دستی کتاب تفسیری به راه گرفته، معرفت نافع و دانش باقی جاوید می‌رود....

و چون نسخه مسوده و منقول تفسیر مذکور، کلاهما معاً، بسرکار علیه عالیه ضبط می‌شدند و حقیر را ... بل فرصت انتساخ [کذا] کلّ مجلدات تسع نبود خلاصه معنی را بنا بر وضوح وافی و بیان شافی انتخاب و جمع نمود به طریقه تفسیری جداگانه مانند مواهب علیّه و غیرها بل ابسط و ابین منها بکتاب داده، کتابی علی حده به تحریر آورد، و به این انتخاب ظواهر معانی قرآن برای کافه انام به عبارتی بی تکلف متعارف این زمان و این ایام همانا تألیفی تازه مشتمل بر فواید بی اندازه هدیه کرده، و آن را نیز به دستور اصل، نه مجلد نویسانده، وسیله انتساخ و انتفاع مسمّلین گردیده، و مجلد اول را بنا بر جامعیتی تامّه که آن را حسب الامر والارشاد از کتب مختلفه حاصل شده، علی حده نویساندن اولی دیده، و فهرست آن، این است....